

### متن پرسش

سلام علیکم: در مطالب منتشر شده از حاج آقا شیخ جعفر ناصری آمده است: «بعضی از بزرگان مثل مرحوم آسید احمد کربلائی، آشیخ احمد بهاری و... به این کیفیت دستور می داده اند که بعد از نماز صبح که اشتغال به ذکر و عدم تشتت کافی است که وقتی لا اله الا الله می گوید پهلوی این ذکر باش و دلت را حاضر بدان {فعلا} همین مقدار کافی است و وقتی این مرتبه حاصل شد ولو روزی یک ثانیه ارتقا پیدا کند خیلی خوب است و برای مرحله بعد آن دستورات دیگری داشته اند، قدم اول را «عدم فکر» و عدم تحریک قوای خیالی و وهمی است و قدم بعد «فکر در عدم»، که آن حاصل نمی شود مگر این که... علی ای حال معنای توجه در هر مقطعی یک معنائی خواهد داشت و قدم اول عدم تشتت معنا می شود.» پرسش های حقیر: ۱. عدم تشتت و اینکه دل را حاضر کنیم همان «عدم فکر» است؟ اگر بله این معنا چقدر به آنچه آقای مصفا در کتاب هایشان می گویند نزدیک است؟ ۲. فرق «عدم فکر» با «فکر در عدم» چیست؟ آیا اساسا برای مبتدیان که گرفتار قوه واهمه هستند (و فکر برای آنها چیزی جز فعالیت قوای واهمه و خیالی نیست) فکر در عدم ممکن است؟ چون مستحضرید که مرحوم ملکی تبریزی در نامه به مرحوم کمپانی می فرمایند که از آخرین مراحل و دستورات استاد ملاحسینقلی همدانی، «فکر در عدم» بود که به اوحدی از سالکین می دادند که سالها ریاضت کشیده باشند. ۳. این صحبت علمای ما، چقدر به تعالیم کریشنامورتی و یا بودا نزدیک است؟ آنها هم ظاهرا همین را می گویند و لب حرفشان این است که اگر از اسارت فکر آزاد شدی و در «حال» قرار گرفتی، حضور در ساحت هستی نامتناهی را تجربه می کنی. اگر حرف عرفا با حرف امثال کریشنامورتی یکی است پس تفاوت بین این دو کجاست؟ اگر مطابق آنچه مرحوم ملکی تبریزی می فرمایند که سلطان معرفت بعد از حصول فکر در عدم ظهور می کند نمی توان با تعالیم کریشنامورتی که به قول حضرتعالی همان روش بوداست، به آن دست یافت؟ ۴. این مباحث چقدر به بحث های هایدگر نزدیک است؟ آیا حرف یکی است یا ما اشتباه می فهمیم؟ از وقتی که حضرتعالی می گذارید سپاسگزارم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث در این رابطه مفصل است. آری! نظر به حضرت احدی که هیچ چیز نیست، عالی ترین منزل می باشد، البته آن گاه که در بستر سیر از الله به سوی احد قرار گیریم به اعتبار آن که الله، جامع جمیع اسماء می باشد ولی به نور اسم جلال، همه را مقهور «هو» می یابید. در مورد آقای مصفا و آقای کریشنامورتی بحث در تخلیه ذهن است برای هیچی شدن و نه رسیدن به فنایی که

مقهور نور احدی باشیم. مباحث آقایان را در حدّ آزادشدن از فشار جهان مدرن، مفید می‌دانم ولی در ذات خود، آن مباحث عقیم هستند. موفق باشید